

خوانش فرهنگی معماری مسکونی کردها با تأکید بر نقش فضا مطالعه موردی: خانه‌های سنتی منطقه موکریان (شهرستان سردشت)

الهام رشید زاده^۱، ارسلان طهماسبی^{۲*}، فواد حبیبی^۳

۱- دانشجوی دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲- استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

چکیده

مسکن، یکی از مهمترین اشکال سازماندهی اجتماعی فضا است که شکل آن، متأثر از عوامل متعددی از جمله، ویژگی‌های فرهنگی است و می‌توان گفت، معماری به واسطه‌ی زبان کالبد و فضا، قانونمندی‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در رسوم و عادات را سازماندهی می‌کند. هدف اصلی انجام این پژوهش، بررسی و تحلیل ویژگی‌های کالبدی، الگوهای فضای معماری و نحوه‌ی سازماندهی آن، در معماری مسکونی کردهای موکریان، به منظور شناخت معماری این مناطق از منظر فرهنگی است. روش تحقیق، در بخش نظری، روش توصیفی - تحلیلی بوده و بخش عملی نیز با استفاده از عملیات پیمایشی در رابطه با شکل خانه‌های سنتی شهرستان سردشت، واقع در شمالغرب ایران، به عنوان نمونه مطالعاتی از معماری بومی منطقه کردنشین موکریان، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد، الگوهای غالب خانه‌های سنتی در این منطقه را می‌توان به سه الگوی "خطی"، "L" شکل و "U" شکل محدود کرد و از طرفی، جایگاه زن در خانه و سیستم خانواده از نظر تعداد همسر، اهمیت زیادی در شیوه‌ی سازماندهی فضا دارد. همچنین نتایج تفصیلی به صورت جداولی که در آنها سطوح و لایه‌های پنهان مقوله فرهنگ (فرهنگ کردهای موکریان) در ارتباط با شکل خانه مشخص شده است، ارائه گردید.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، شیوه زندگی، سازماندهی فضا، شکل خانه.

مقدمه

هر جامعه‌ای دارای ایده‌آلهایی است و وظیفه فرهنگ آن جامعه، نشان دادن ایده‌آلهای ذهنی از طریق نمود اشکال عینی است، به طوریکه می‌توان گفت "معماری وسیله سنجش واقعی فرهنگ یک ملت می‌باشد". (گروت، ۱۳۸۶: ۵۳) با استناد به تحقیقات انجام شده در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر شکل خانه، فرهنگ در دسته‌ی عوامل اولیه و تعیین‌کننده در شکل کلی مسکن قرار می‌گیرد (Rapoport, 2000). در واقع "مسکن یک جسم مادی است که می‌تواند بر اساس چارچوب‌های فرهنگی خاص، ساخته شده و مورد استفاده قرار گیرد و در نهایت، درک و تجربه شود" (Ruonavaara, 2018: 179). همچنین "تفاوت در کیفیت مسکن و شیوه‌های ساخت، نشان‌دهنده‌ی تفاوت در سطح ثروت و فرهنگ در میان جوامع مختلف است" (Soaita & Dewilde, 2019: 47). از میان عرصه‌های که مجرای برای تبلور فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شوند، پژوهش حاضر بر معماری به عنوان یکی از عمده‌ترین محورهایی که ضمن تأمین نیاز انسان به سرپناه و محیط مصنوع، رابطه‌ای تنگاتنگ با فرهنگ برقرار می‌سازد، تمرکز کرده و در وجه مصداقی، مسکن به عنوان عام‌ترین موضوع معماری، که مهم‌ترین عرصه زندگی انسانها محسوب می‌شود انتخاب شده است.

بیان مسئله

از آنجا که ساختن یک خانه، پدیده‌ای فرهنگی است و شکل خانه که عبارتست از فرم کالبدی و سازمان فضایی آن، شدیداً از محیط فرهنگی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می‌پذیرد (راپاپورت، ۱۳۹۲، ص ۸۲). اما با توجه به گستردگی مقوله فرهنگ، برای درک ارتباط میان آنها و اینکه فرهنگ، چگونه شکل خانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیازمند محدودتر کردن این مقوله به وجوه یا ابعادیست که ارتباط مستقیم و نزدیک‌تری با مقوله طراحی برقرار می‌کند. به طور کلی، پژوهش حاضر به دنبال خوانش فرهنگی معماری مسکونی کردها می‌باشد، چرا که عدم توجه به فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی موجود در جوامع با اقوام و اقلیت‌های متنوع و جایگزینی مسایل و موضوعات اقتصادی به جای توجه به کیفیت‌های فضای زندگی انسان، می‌تواند در چگونگی رفتار فضایی افراد (قلمرویی، شخصی‌سازی، خلوت‌گزینی و ...) خلل ایجاد کرده و به تبع آن پیامدهای جدی برای فرد، خانواده و اجتماع داشته باشد. بنابراین با این فرض که فرهنگ عامل اصلی و تعیین‌کننده در ظهور اشکال مختلف خانه در جوامع مختلف است، این تحقیق پاسخی به پرسش‌های زیر را هدف قرار داده است:

- عناصر محتوایی فرهنگ (فرهنگ کردها) در ارتباط با شکل خانه (خانه‌های سنتی منطقه موکریان) کدام است؟

- چگونه این عناصر بر شکل خانه (فرم کالبدی و ساختار فضایی) و شیوه‌ی سازماندهی فضا تأثیرگذارند؟

در واقع این پژوهش برآنست، با شناخت وجوه مذکور و رابطه آنها با هم، مقوله فرهنگ را به سطوح ملموس‌تری که در ارتباط با هم و به صورت سلسله‌مراتبی بر شکل خانه، اثر می‌گذارند، تجزیه کرده و براین اساس ابتدا مدلی برای سطح‌بندی مذکور ارائه می‌شود و سپس مدل مذکور به صورت موردی در رابطه با معماری خانه‌های سنتی شهرستان سردشت، به صورت تطبیقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در انتها، عناصر محتوایی منتج از فرهنگ جامعه نمونه و نحوه‌ی تأثیر آنها بر شکل خانه‌های سنتی نمونه مذکور، مشخص و در قالب جداولی ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

با توجه به گستردگی مقوله فرهنگ در علوم مختلف، در حیطه‌ی معماری نیز، مطالعات داخلی و خارجی متعددی در رابطه با نقش و جایگاه فرهنگ در معماری صورت گرفته است. این مطالعات عمدتاً بر رابطه فرهنگ و معماری تأکید

داشته و بر اساس رویکردهای مختلفی نظیر پدیدارشناسی و معناشناسی به تبیین مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری متمرکز شده‌اند (Dewilde & Soaita, 2019; Ahianba, 2009; Clarissa & Lorenzo, 2016)؛ ورمقانی و سلطانزاده، ۱۳۹۷؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶؛ نجار نجفی، ۱۳۹۴؛ یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲؛ عزیزی، دلپذیر و مقدم، ۱۳۹۱). همچنین در حوزه‌ی ارتباط مسکن و الگوی زندگی، می‌توان به پژوهش‌هایی در خصوص تجلی سبک زندگی اسلامی در معماری ایرانی اشاره نمود که در آنها نحوه‌ی عرصه‌بندی و سلسله‌مراتب فضاها بر اساس رعایت آموزه‌ها و ارزشهای دینی بررسی شده و به طور کلی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی بیان شده‌است (ضرغامی و سادات، ۱۳۹۵؛ علی‌الحسابی و گنجی‌زاده ۱۳۹۴). همچنین در پژوهش‌هایی دیگر در مورد رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی، به نسبت میان شکل مسکن و معماری با عناصر فرهنگی و جامعه‌شناختی پرداخته شده‌است و از رهگذر مفاهیمی چون فردیت ایرانی و زندگی روزمره، نسبت میان مشخصه‌های سبک زندگی در ایران و شکل محل سکونت و رابطه میان این دو، بررسی شده است. در برخی از پژوهش‌های دیگر نیز، عوامل تأثیرگذار بر مسکن از گذشته تا به امروز معرفی و مسائل مربوط به اثرات مدرنیته بر تحول فرهنگ خانه بیان شده‌است (شصتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ شصتی و فلامکی ۱۳۹۳؛ علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲؛ فاضلی، ۱۳۸۷). در این پژوهش‌ها اگرچه به طور کلی رابطه میان سبک زندگی ایرانی و شکل مسکن بررسی شده‌است و قواعد و قانونمندی‌های جامعه اسلامی به عنوان قرارگاه الگوهای رفتاری خاص، بیان شده است، اما بی‌تردید عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی وجود دارند که معرف ویژگی‌های فرهنگی، تفاوت‌های قومی و آداب و رسوم خاص خرده‌فرهنگ‌ها (فرهنگ کردها) می‌باشند و ارتباط مستقیمی با سبک زندگی و خصوصیات فرهنگی آن جوامع دارند. بنابراین در خصوص شناخت معماری مسکونی کردها به عنوان یکی از اقوام ایرانی، که معرف ویژگی‌های فرهنگی آنان باشد، کاستی‌هایی دیده می‌شود. آنچه در این میان مغفول مانده دو مسئله اساسی است: اول اینکه هرکدام از این پژوهش‌ها از زاویه‌ی دید خود و با رویکردی خاص به نوعی به تأکید رابطه بین فرهنگ و معماری پرداخته‌اند و نوع، ماهیت و چگونگی این ارتباط مشخصاً بررسی نشده‌است و تنها در برخی از پژوهش‌ها، تأثیرات فرهنگ بر جنبه‌های محدودی از وجوه مسکن، بیان شده‌است. و دوم اینکه در پژوهش‌های صورت گرفته، علی‌رغم اینکه فضا، یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیم معماری بوده و جایی است که رفتار فردی و تعاملات اجتماعی در آن شکل گرفته و اتفاق می‌افتد، رابطه فضا و فرهنگ و ماهیت این ارتباط، که باعث بروز نتایج دقیق‌تر و کامل‌تری در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی معماری، خصوصاً طراحی مسکن خواهد شد، مورد عنایت پژوهشگران واقع نگردیده است.

مبانی نظری

مسکن یا خانه یکی از اساسی‌ترین موضوعات معماری و در عین حال یکی از مهمترین اشکال سازماندهی اجتماعی فضا است، که مانند بسیاری دیگر از مجموعه‌های ساخت بشر، ماهیتی دوگانه دارد، به گونه‌ای که تحت تأثیر فرهنگ شکل می‌گیرد و به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه راپاپورت، مسکن بخشی از محیط ساخته شده می‌باشد که روابط میان افراد، افراد و اشیاء، اشیاء را در بر دارد (راپاپورت، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳). برخی دیگر نیز معتقدند که مسکن مفهومی چندوجهی است، که مفاهیمی مانند آسایش و امنیت، بیان هویت و پایگاه اجتماعی ساکنان و غیره را در برمی‌گیرد (Werner, 1986). خانه، پدیده‌ای است که منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی، در هر قوم یا ملیتی شکل می‌گیرد و با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معانی و هنجارهایی که در فرهنگ رایج است و همچنین با توجه به سنت و آداب و رسوم که بر ساختار فرهنگ یک قوم، قبیله یا ملت، حاکم می‌باشد، فرم مادی و

معنوی آن در فضای زندگی به وجود می‌آید. بر اساس نظریات نظریه‌پردازانی مانند الکساندر^۱ (1964)، راپاپورت^۲ (1969)، الیور^۳ (1975)، هیلیر و هانسون^۴ (1984) (و دیگرانی مانند شولتس^۵، اکو^۶ و مرسر^۷) علاوه بر چپستی ابعاد و اجزاء مسکن، به تفاوت‌های موجود در چگونگی آنها در گروه‌های فرهنگی مختلف تأکید داشتند و با بررسی مسکن بومی، فرهنگ ساکنان را عامل اصلی و مؤثر بر چگونگی فرم مسکن و قانونمندی‌های روابط و عناصر آن معرفی کرده‌اند. بنابراین مؤلفه‌های فرهنگ، تحت عنوان ساختار اجتماعی، نظام ارزشی، شیوه زندگی و سیستم فعالیت‌ها، عامل بنیادی در انتظام مسکن و ویژگی‌های فرهنگی افراد می‌باشد (Rapoport, 2005). بر طبق دیدگاه راپاپورت، فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید در بردارنده ایده‌آل‌های گروهی از مردم است که در فرآیند فرهنگ‌آموزی، میان اعضای آن گروه منتقل می‌شود و منظور او از فرهنگ‌آموزی، انتقال ارزش‌ها و عقاید از نسلی به نسل دیگر در میان اعضای یک فرهنگ مشابه است (Rapoport, 1980: 9). از طرفی، وجوه و مؤلفه‌های فرهنگ در محیط ساخته‌شده، در قالب فضا متبلور می‌شود و انگاره‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و باورها به صورت فضایی و نمادین در محیط، با خلق فرم‌ها و معانی بیان می‌شوند. چراکه تعاملات غیر کلامی افراد بر اساس معانی فرهنگی و اجتماعی که خصوصیات فضا دارند، صورت می‌گیرد (Mercer, 1971). بنابراین به دلیل اهمیت و نقش فضا در شناخت ماهیت مسکن، مفهوم فضای معماری و نحوه‌ی سازماندهی و انتظام آن در این پژوهش اولویت خاصی نسبت به دیگر عناصر و اجزاء مسکن دارد. راپاپورت شیوه‌ی سازماندهی فضا را در انتظام خصوصیات عناصر ثابت (پیکربندی فضا) و عناصر نیمه ثابت (چیدمان و مبلمان فضایی) محیط ساخته شده، تعریف می‌کند (راپاپورت، ۱۳۹۲). می‌توان گفت، معماری به واسطه‌ی زبان کالبد و فضا، قانونمندی‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در رسوم و عادات را سازماندهی می‌کند. از سوی دیگر، فضا جوهر و موضوع اساسی معماری است و هر تعریفی از معماری، مستلزم تحلیل و توضیح پیشینی از مفهوم فضا است (Lefebvre, 1991: 15). فضا امکانات و در عین حال محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند و انسانها باتوجه به معیارهای فرهنگی خود دست به انتخاب و تأثیرگذاری بر فضا می‌زنند. بنابراین مطالعه حاضر با بررسی معماری مسکونی کردها و تحلیل فرهنگی نحوه‌ی سازماندهی و انتظام فضا در مسکن، بر این نکته تأکید دارد که فرهنگ به عنوان ساختار اجتماعی، نظام ارزشی، شیوه زندگی و سیستم فعالیت‌ها (Rapoport, 2005)، عامل بنیادی در انتظام مسکن و نحوه‌ی پاسخگویی جامعه به نیازهای خود برای تولید و ارتقای کیفیت زندگی می‌باشد.

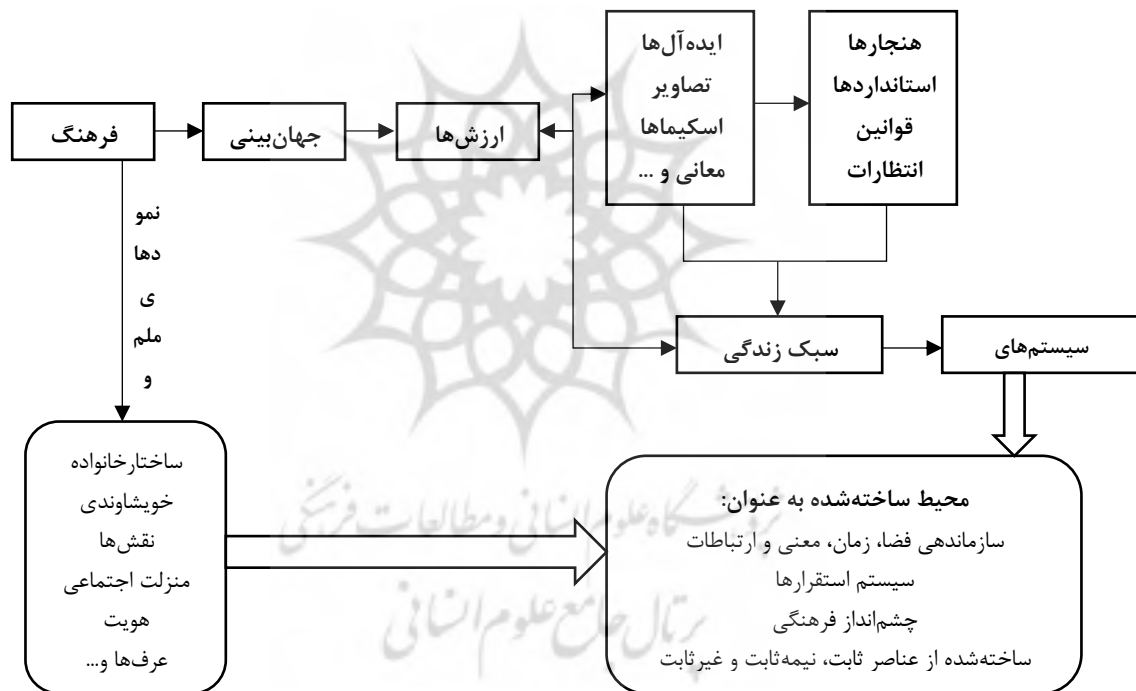
روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر در بخش نظری با رویکرد کیفی و ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به ارائه چارچوب نظری پرداخته است. در بخش عملی نیز بر اساس تحلیل داده‌های میدانی، چارچوب نظری مذکور در رابطه با شکل خانه‌های سنتی و قدیمی شهرستان سردشت، واقع در شمالغرب ایران، حوزه جنوبی استان آذربایجانغربی، به عنوان نمونه مطالعاتی از معماری بومی منطقه کردنشین موکریان، مورد بررسی قرار گرفت. فرآیند گردآوری داده هم به روش اسنادی و هم پیمایشی است. در این راستا، خانه‌های قدیمی که با مصالح بنایی و در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ ساخته شده‌اند و با در نظر گرفتن این نکته که در این خانه‌ها، ساکنان و سازندگان اولیه بنا و یا نسل‌های بعدی و از اعضای همان خانواده سکونت دارند، به صورت هدفمند، شناسایی و انتخاب شده‌اند، تا به این ترتیب اطلاعات جامع و دقیقی نسبت به افراد ساکن، شیوه‌ی زندگی و فرهنگ خانواده، به دست آید. برای تعیین خانه‌ها و افراد مورد مصاحبه، از نمونه‌گیری کیفی - هدفمند و نیز برای تعیین حجم نمونه از منطق اشباع نظری در

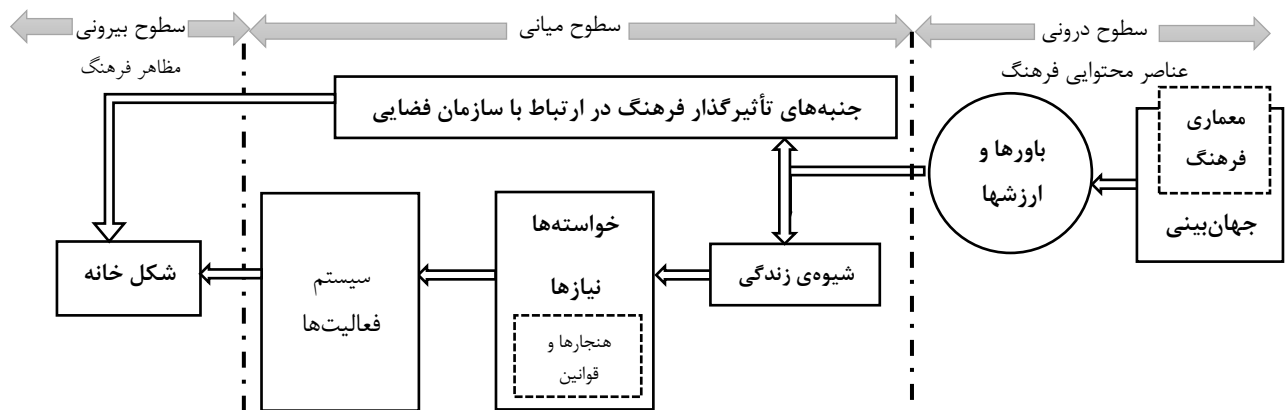
نمونه گیری نظری استفاده شده است. در نهایت یافته‌های حاصل با استفاده از روش مطالعه تطبیقی و استدلال منطقی در ارتباط با چارچوب نظری مطرح در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

واسازی فرهنگ در ارتباط با معماری

"فرهنگ"، ساختاری تئوریک است که به واسطه‌ی تعاریف، موجودیت دارد و صورتی مختصر مفهومی است. اختصار مفرط و عمومیت مفرط، دو مشکل اصلی فرهنگ می‌باشند. به عبارت دیگر، "فرهنگ" مفهومی بسیار انتزاعی است. طرح اصلی برای متغیرهای اجتماعی است که علائم و نمودهای ملموس تری از فرهنگ هستند. در این میان، توصیف واقعی، بالقوه، قابل مشاهده و اجتماعی فرهنگ، مهم هستند، مانند خانواده و ساختار خویشاوندی، شبکه‌های اجتماعی، قوانین، مقررات، بنیادهای اجتماعی و مانند آن. بنابراین، این متغیرها به طور عملی می‌توانند به محیط‌های ساخته‌شده مرتبط شوند، جایی که فرهنگ، نمی‌تواند. استنباط ترتیبی از اجزاء یا اصطلاحات بسیار ویژه فرهنگ، مانند دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، تصویرها، معیارها، سبک‌های زندگی و سیستم‌های فعالیت نیز بسیار مفید واقع می‌شوند (Rapoport, 2000).



"نمودار ۱: دیاگرام ارتباط محیط ساخته شده و فرهنگ (راپاپورت، ۱۳۹۰)"



"نمودار ۲: مدل کلی سطح بندی فرهنگ در رابطه با شکل خانه (نگارندگان)"

عوامل اجتماعی - فرهنگی و شکل مسکن

برای بیان و توضیح شکل‌های مختلفی که مسکن پیدا کرده که هم‌زمان، پدیده‌ای پیچیده می‌باشد، ارائه‌ی یک دلیل واحد کافی نیست. اقوام دارای رفتارها و آرمان‌های بسیار متفاوت، محیط‌های متنوعی را به وجود می‌آورند (یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲). بر طبق دیدگاه راپاپورت، شکل خانه تنها نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر عامل سببی واحد دیگری نبوده؛ بلکه شکل خانه، حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن می‌باشد، که به واسطه‌ی شرایط اقلیمی (محیط فیزیکی که بعضی از چیزها را تسهیل و بعضی را غیرممکن می‌سازد) و روش‌ها یا شیوه‌های ساختمانی، مصالح قابل دسترس و تکنولوژی (ابراز لازم برای ایجاد محیط مطلوب) تغییر می‌کند. در نتیجه، نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه یا اصلی و دیگر نیروها را، نیروهای ثانوی یا تغییردهنده می‌نامد (راپاپورت، ۱۳۹۲).

"جدول ۱: جنبه‌های اصلی و تأثیرگذار فرهنگ در ارتباط با سازمان فضایی خانه (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷)"

فاکتور	توضیح	ویژگی
نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اصلی (سبک زندگی)	سبک زندگی به ترتیب به فعالیت و سیستم‌های فعالیت منجر می‌شود. اینها ملموس‌ترین بیان فرهنگ هستند و معماران و طراحان با کاربرد تحلیل فعالیت، نسبتاً آشنا هستند.	نوع خوابیدن، نشستن، آشپزی و غذا خوردن و ...
ساختار خانواده	تفاوت‌هایی با اهمیت و بامعنایی در رابطه با شکل و طرح مسکن و ساختار خانواده وجود دارد که باعث می‌گردد، خانه‌ها از نظر ابعاد و تناسب، با یکدیگر متفاوت باشند.	انواع خانواده‌های هسته‌ای و یا گسترده
نقش جنسیت‌ها	نقش جنسیت‌ها به طور مستقیم در طرح داخلی خانه‌ها، شکل گشودگی‌ها، رابطه‌ی خانه و فضای بیرون و طراحی فضای باز خانه تأثیرگذار است.	مقام و موقعیت زن، نوع فعالیت‌های زنان و مردان
نگرش به خلوت	نیاز و یا خواسته‌ی محرمیت، می‌تواند به صورت فضاهای مرتبط یا پیوسته به محدوده یا قلمروهای مجزا از یکدیگر، نشان داده شوند.	نیاز به محرمیت

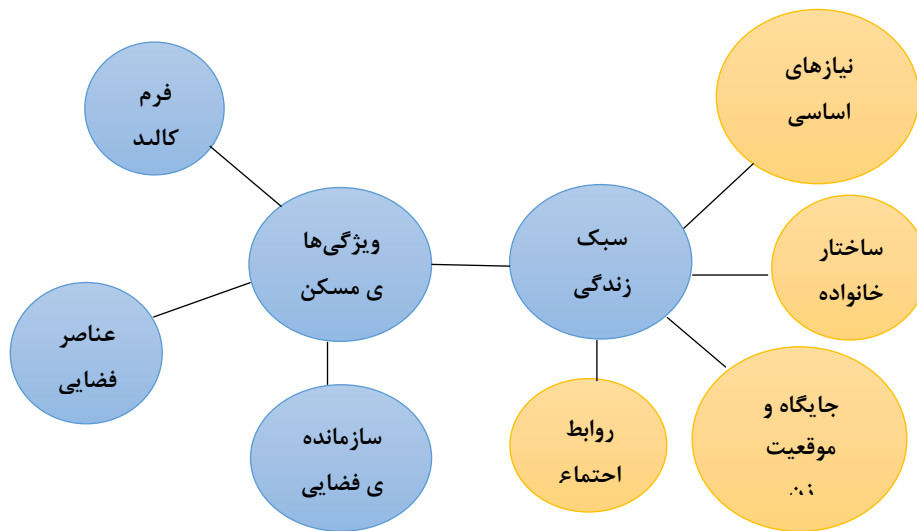
فرایند روابط اجتماعی	تمایل به داشتن روابط متقابل و یا ملاقات کردن یکدیگر نیز، نیاز پایه‌ای است، بنابراین چگونگی برخورد و زمان ملاقات، بر ساخت و شکل خانه تأثیر می‌گذارد نه صرفاً ملاقات.	تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط با دوستان، همسایگان، آشنایان و...
----------------------	---	--

شیوه‌ی زندگی

واژه یا عبارت شیوه‌ی زندگی، که به وسیله ماکس سور^۱، مورد استفاده قرار گرفته است، شامل تمام جنبه‌های فرهنگی، مادی، معنوی و اجتماعی که بر شکل خانه تأثیر می‌گذارند، می‌گردد. در نتیجه می‌توانیم بگوییم، خانه‌ها و مجموعه‌های زیستی، بیان مادی شیوه‌ی زندگی می‌باشند؛ به این معنی که، شیوه یا نوع زندگی، جوهره‌ی سمبولیک آنها را می‌سازد. سبک زندگی به ترتیب به فعالیت و سیستم‌های فعالیت منجر می‌شود. اینها ملموس‌ترین بیان فرهنگ هستند و معماران و طراحان با کاربرد تحلیل فعالیت، نسبتاً آشنا هستند. معنی، تنها جنبه‌ی مهم عملکرد و فعالیت‌ها نیستند، بلکه اغلب مهمترین عملکرد هستند. به این خاطر که ویژگی‌های سیستم‌های فعالیت به ویژگی‌های خاص استقرارها و محیط‌ها می‌انجامد که دلایل تنوع آنها و در نتیجه، ارتباط بین فرهنگ و محیط را شرح می‌دهد. در واقع الگوهای مصرف، غذا، نوشیدنی، لباس، تفریح، رسانه، کتاب‌ها و غیره می‌توانند نمودی از سبک زندگی باشند (Rapoport, 2000: 156).

سازماندهی محیط مسکونی (خانه)

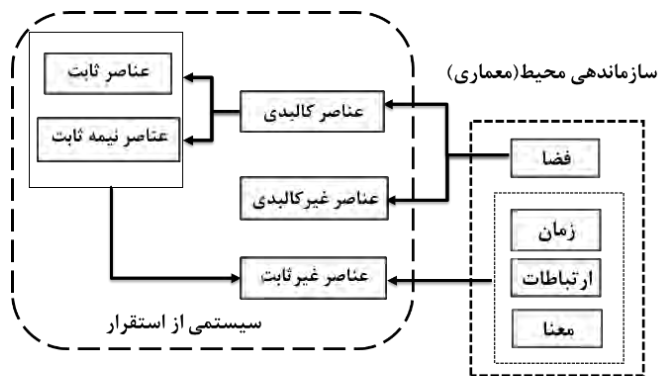
وقتی محیط طراحی می‌شود، چهار عنصر فضا، زمان، ارتباطات و معنی سازماندهی می‌شوند. راپاپورت، محیط را مجموعه‌ای از خصوصیات که تمام انواع توانایی‌های فیزیکی را داراست، تعریف می‌کند (Rapoport, 1982). سازماندهی فضا عبارتست از: انتظام خصوصیات عناصر ثابت (پیکربندی و طراحی فضا) و عناصر نیمه‌ثابت (چیدمان و مبلمان فضایی) محیط ساخته‌شده (راپاپورت، ۱۳۹۲). از نظر راپاپورت، این سازماندهی بر جایگاه اجتماعی ساکنان و کاربری فضا تأثیر می‌گذارد و علت این امر را نیز این‌گونه استدلال می‌کند که تعاملات غیرکلامی افراد (عناصر غیرثابت) بر اساس معانی فرهنگی و اجتماعی که خصوصیات فضا دارند، صورت می‌گیرد و سایرین بر اساس این معانی، جایگاه اجتماعی آنها را ارزیابی می‌کنند. سازماندهی زمان، منعکس‌کننده رفتار در زمان است، این زمان‌ها می‌توانند، روز/شب، روزهای هفته و... باشند. پس محیط ساخته‌شده می‌تواند بر اساس مدت انجام فعالیت و زمان وقوع سازمان یابد (Werner, Altman & Oxley, 1986). در نتیجه افراد ممکن است به جای جدا شدن به صورت فیزیکی از طریق سازماندهی زمان در فضا از همدیگر تفکیک شوند. سازماندهی ارتباطات عبارتست از تنظیم و کنترل این که چه کسی با چه کسی، در چه موقعیت‌هایی، در کجا و در چه زمینه‌ای باهم ارتباط برقرار می‌کنند و در نهایت، سازماندهی معنا عبارتست از اینکه افراد از چه طریق و بر چه اساسی در مقابل محیط ساخته‌شده عکس‌العمل نشان می‌دهند (Rapoport, 1977).



"نمودار ۳: دیاگرام ارتباطی ویژگی‌های مسکن و سبک زندگی (نگارندگان)"

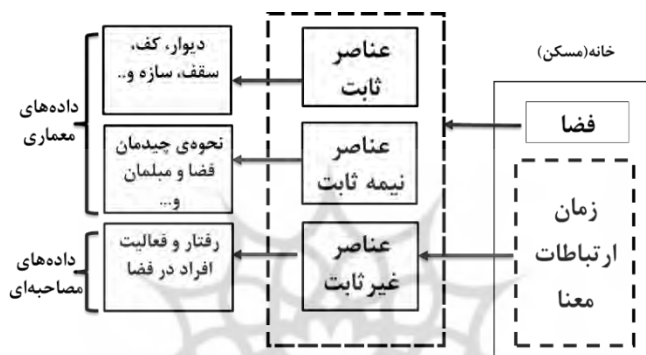
عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت

فضا، شامل عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت می‌باشد و بیشترین و ساده‌ترین مفهوم‌سازی قابل‌لمس از محیط، اینست که از ترکیب این عناصر تشکیل شده‌است. عناصر ثابت؛ عناصری هستند که به آهستگی تغییر نموده و شامل عناصر استاندارد معماری و شهرسازی می‌باشند که سازماندهی فضایی این عناصر، اندازه، مکان، تسلسل و چیدمان آنها و... ارتباط معنایی خاصی را ایجاد می‌کند (راپاپورت، ۱۳۹۲). عناصر نیمه‌ثابت، شامل انواع مختلف چیدمان و مبلمان است که به آسانی و به سرعت تغییر کرده و در معنابخشی به مکانی که به آن تعلق دارند، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. عناصر غیرثابت به طور معمول، مردم و فعالیت‌ها، رفتارها و ارتباطات اجتماعی و سیستم‌های قوانین هستند (راپاپورت، ۱۳۹۰، ص ۵۵). عناصر کالبدی محیط به آسانی و مستقیماً به عنوان شاخص‌های شخصیت اجتماعی و راهنماهای رفتاری قرائت می‌شوند (Royse, 1969). عناصر غیرثابت، به عنوان بخشی از محیط، به طور غیرمستقیم محیط‌ها را به ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها، سلیقه‌ها، خواسته‌ها و غیره ارتباط می‌دهد. باید توجه شود که استقرارها، رفتار (عناصر غیرثابت) را هدایت می‌کنند، نه فقط یا حتی اصولاً از طریق عناصر معماری با ویژگی ثابت، بلکه از طریق عناصر نیمه‌ثابتی که نشانه‌ی اصلی و بسیار مهم را فراهم می‌کنند.

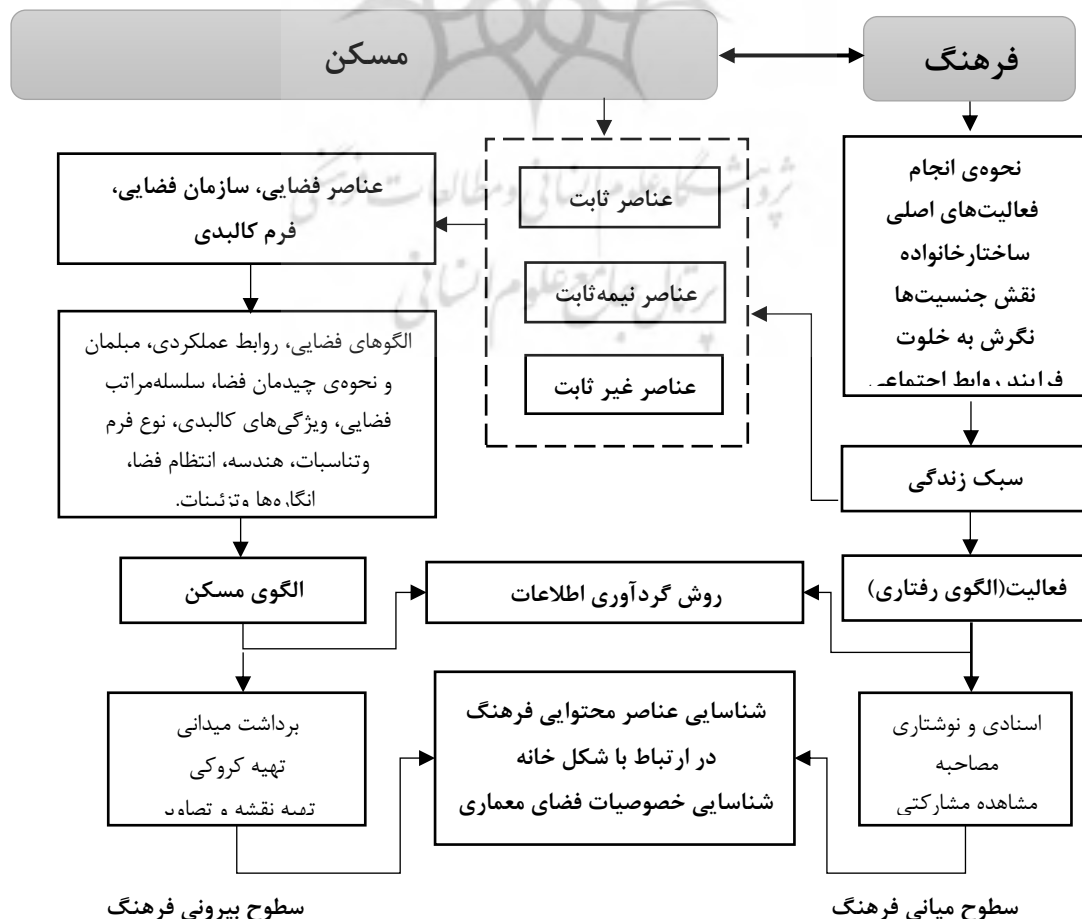


مدل مفهوم سازی محیط (خانه مسکونی)

"نمودار ۴: مدل مفهوم سازی محیط (خانه مسکونی) (نگارندگان)"



"نمودار ۵: مدل مفهومی داده‌های پژوهش (نگارندگان)"



معرفی اجمالی ناحیه مورد مطالعه

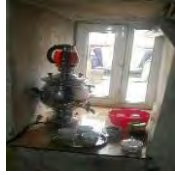
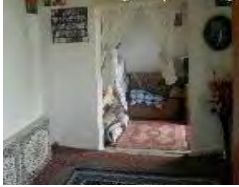
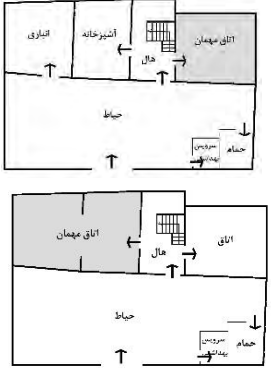
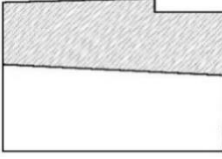
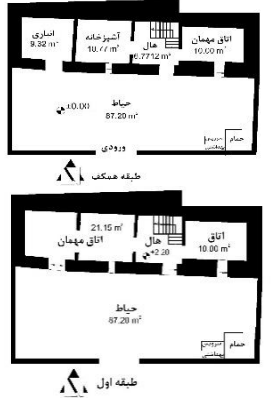
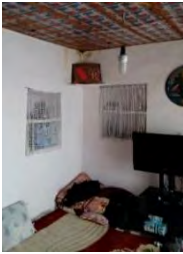
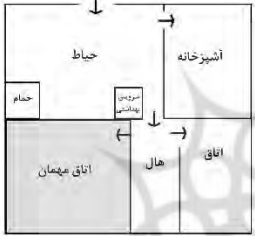
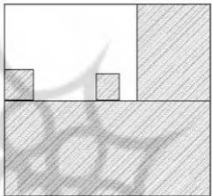


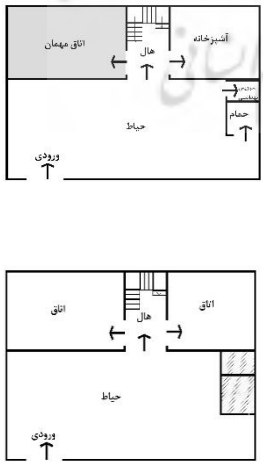
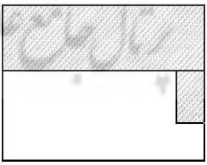
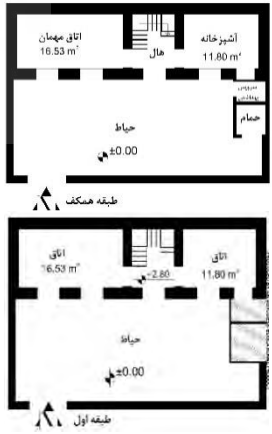
تحقیق حاضر به مطالعه خانه‌های قدیم شهرستان سردشت واقع در منطقه کردستان مکریان، در شمالغرب ایران اختصاص دارد، این منطقه محل زندگی کردهای مکری است که با لهجه‌ی کرمانجی میانه که در گفتگوی عامیانه به آن سورانی می‌گویند، سخن می‌گویند (حمه‌خورشید، ۱۳۶۴). شهرستان سردشت، واقع در استان آذربایجانغربی بوده و مسیر منتهی العبور به کشور عراق است و ۳۰ کیلومتر با این کشور فاصله دارد. گزینش این منطقه از چند جهت حائز اهمیت است؛ کردهای این منطقه جزء اولین ساکنان نواحی زاگرس بوده و به طوری که در تاریخ آمده است، از سده هشتم قبل از میلاد بر نواحی زاگرس مسلط شدند و امپراطوری ماد را تأسیس کردند (نیکیتین، ۱۳۶۶). گروه فرهنگی کردهای مکریان به علت اتفاق نظر در داشتن فرهنگ مشخص و ویژگی‌های زبانی و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی خود به طور مثال پوشش لباس محلی که همچنان در میان ساکنان این منطقه رایج است، همچنین ویژگی‌های جغرافیایی و اکولوژیکی نیز به دلیل وجود منطقه کوهستانی نسبتاً سخت بر شیوه زندگی و معیشت ساکنان آن تأثیرگذار بوده است. از نظر اعتقادی، پیرو دین اسلام و مذهب شافعی هستند و می‌توان گفت، فرهنگ و آداب و رسوم این منطقه، ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی آنان دارد و این اعتقاد نسل به نسل به ارث رسیده است. جمعیت شهرستان سردشت بر طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ (با توجه به اینکه پژوهش حاضر در رابطه با بررسی خانه‌ها در بازه‌ی زمانی (۱۳۰۰-۱۳۵۰) می‌باشد)، ۲۶۴۵ نفر بوده است (تقوایی و آکوچکیان، ۱۳۹۳).

مطالعه موردی و یافته‌ها

ساختار کالبدی خانه‌های سنتی: منبع اصلی برای آشنایی با فرهنگ یا شیوه سکونت جوامع سنتی این منطقه و تأثیر آن بر شکل خانه‌هایشان، مشاهدات میدانی انجام شده در مناطق مسکونی محدوده تحقیق است، به این منظور ۲۵ خانه مسکونی قدیمی که همچنان اعضای خانواده در آنها ساکن بودند، برداشت شده و تصاویری از آنها، گرفته شده است و ۱۰ مورد از آنها، به عنوان نمونه در جدول شماره ۲، آورده شده‌اند.

"جدول ۲: خانه‌های مسکونی قدیمی شهرستان سردشت (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰) (نگارندگان)"

لمان و نوع تزئینات	الگوی سازماندهی عمومی عرصه خصوصی	ساختار فرمی (نسبت فضای باز و بسته)	پلان	توضیحات بنا
				<p>بنای شماره ۱ نام مالک: عزیز مگری تعداد ساکن: ۱ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: نظامی تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۰۰ مساحت کل: ۲۴۳۳/۶ m²</p>
				<p>بنای شماره ۲ نام مالک: رشید رشیدزاده تعداد ساکن: ۱۳ نفر تعداد همسر: ۲ شغل: تاجر تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۰۲ مساحت کل: ۲۸۵۶۲/۶۱ m²</p>

 				<p>بنای شماره ۳</p> <p>نام مالک: احمد شادمان</p> <p>تعداد ساکن: ۱۰ نفر</p> <p>تعداد همسر: ۱</p> <p>شغل: نانوا</p> <p>تعداد طبقات: ۲</p> <p>سال ساخت: ۱۳۳۱</p> <p>مساحت کل: ۲۵۲/۳۳ m²</p>
				<p>بنای شماره ۴</p> <p>نام مالک: محمد بیجاد</p> <p>تعداد ساکن: ۹ نفر</p> <p>تعداد همسر: ۱</p> <p>شغل: کارگر</p> <p>تعداد طبقات: ۱</p> <p>سال ساخت: ۱۳۳۲</p> <p>مساحت: ۱۸۶/۳۲ m²</p>
				<p>بنای شماره ۵</p> <p>نام مالک: عبدالله حسنیور</p> <p>تعداد ساکن: ۸ نفر</p> <p>تعداد همسر: ۱</p> <p>شغل: خوار و بار فروش</p> <p>تعداد طبقات: ۱</p> <p>سال ساخت: ۱۳۳۵</p> <p>مساحت کل: ۱۷۹/۳۸ m²</p>

				<p>بنای شماره ۶ نام مالک: محمود محمودیان تعداد ساکن: ۷ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: تاجر تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۳۹ مساحت کل: $2m^{2333/46}$</p>
				<p>بنای شماره ۷ نام مالک: احمد منده تعداد ساکن: ۹ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: کارگر تعداد طبقات: ۱ سال ساخت: ۱۳۵۰ مساحت: $2m^{102/53}$</p>
				<p>بنای شماره ۸ نام مالک: محمود امینی تعداد ساکن: ۹ نفر تعداد همسر: ۲ شغل: دامدار تعداد طبقات: ۱ سال ساخت: ۱۳۵۰ مساحت: $m^{2362/38}$</p>
				

				<p>بنای شماره ۹</p> <p>نام مالک: محمداسدپور</p> <p>تعداد ساکن: ۱۲ نفر</p> <p>تعداد همسر: ۲</p> <p>شغل: نجار</p> <p>تعداد طبقات: ۲</p> <p>سال ساخت: ۱۳۴۲</p> <p>مساحت کل: $2m58.20/34$</p>
				<p>بنای شماره ۱۰</p> <p>نام مالک: رحمان محمودیان</p> <p>تعداد ساکن: ۱۲ نفر</p> <p>تعداد همسر: ۲</p> <p>شغل: نجار</p> <p>تعداد طبقات: ۲</p> <p>سال ساخت: ۱۳۴۸</p> <p>مساحت کل: $2m28.15/15$</p>

در نتیجه‌ی این مشاهدات، عناصر معماری شکل‌دهنده‌ی این خانه‌ها را می‌توان اینگونه توصیف کرد:

الف. عناصر فضایی: مهمترین ویژگی سازمان فضایی خانه‌های سنتی این منطقه، حضور همزمان دو گونه فضایی باز (حیاط) و بسته (اتاق‌ها) است. هر یک از این فضاها، با توجه به شیوه‌ی زندگی خانواده‌ها، فضاهایی پرکاربرد و همیشه سرزنده بوده‌اند.

- **فضای باز (حیاط):** حیاط، عنصر فضایی جدا نشدنی از خانه‌های سنتی این منطقه می‌باشد، چراکه به دلیل نبود آب لوله‌کشی و سیستم گرمایشی و تهویه در گذشته (بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰)، کلیه فعالیت‌های روزمره‌ی زندگی از قبیل آشپزی، پخت‌وپز، شست‌وشو و حتی نگهداری مواد اولیه خوراکی در حیاط و فضای باز صورت می‌گرفته است، به

طوری که در اکثر موارد، در ابتدا آشپزخانه در پلان این خانه‌ها وجود نداشته و فعالیت آشپزی در حیاط و با درست کردن آتش و همچنین پخت نان در فضای بسته تنور واقع در حیاط صورت می‌گرفت. بعدها با پیدایش سیستم‌های مکانیکی و الکتریکی، آشپزخانه به داخل خانه انتقال داده شده‌است. همچنین حیاط به عنوان مکانی برای ارتباط با طبیعت و همسایگان (تعاملات اجتماعی) نیز به کار می‌رفت. به همین دلیل است که نسبت فضای باز و بسته در خانه‌های سنتی این منطقه تقریباً به نسبت مساوی می‌باشد (ستون ساختار فرمی در جدول شماره ۲).

- **فضاهای بسته:** فضاهای بسته یا داخلی خانه‌های سنتی، از یک یا چند اتاق، آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی تشکیل شده‌اند. اتاق‌ها، فضاهای بسته چند عملکردی هستند که تمام فعالیت‌های یک خانوار از قبیل غذا خوردن، خوابیدن، دور هم نشینی و... می‌تواند در آنها انجام شود. از این رو، در جوامع سنتی این منطقه به مواردی از قبیل محل قرارگیری، اندازه و عملکرد اتاق توجه زیادی نشده‌است. با توجه به این که اغلب خانواده‌های سنتی این منطقه، جزء خانواده‌های گسترده و دارای تعداد زیادی فرزند و در نتیجه پرجمعیت بودند، پیش‌بینی تعداد اتاق اختصاصی برای هر نفر امکان‌پذیر نبود. طراحی داخلی اتاق‌ها به صورت انعطاف‌پذیر و به گونه‌ای بود که نیاز تمام فعالیت‌های خانواده را پوشش دهد. فضای اتاق، امکان این را داشت برای زمان‌ها و عملکردهای خاص، هم فضای پذیرایی مهمان باشد و هم فضای خواب و یا اینکه با پهن کردن سفره، به فضایی برای غذا خوردن تبدیل شود. وجود طاقچه‌های متعدد برای اشیاء و لوازم کاربردی و دکوری، گنجه‌های بزرگ در دیوار برای لباس یا رخت‌خواب، پستی‌ها و تشکچه‌های متعدد برای نشستن در تمام اتاق‌ها و برخی از جزئیات تزئینی، حکایت از این نوع شیوه زندگی دارد (ستون مبلمان و نوع تزئینات در جدول شماره ۲). حمام و سرویس‌های بهداشتی از دیگر فضاهای بسته در خانه‌های سنتی بودند که به علت شرایط اقلیمی و نبود آب لوله‌کشی بیرون از خانه ساخته می‌شدند و ساکنین شهر برای رفع نیازهای استحمام و... به حمام عمومی و سرویس‌های بهداشتی واقع در مساجد نزدیک به خانه مراجعه می‌کردند. بعدها، این فضاها با ایجاد سیستم لوله‌کشی، در گوشه‌های انتهایی حیاط تعبیه شدند، این امر ضمن کمک به حفظ پاکیزگی فضاهای داخلی، مانع انتقال رطوبت به اجزا و عناصر فضاهای داخلی و مستهلک شدن آنها بود.

ب. **سازمان فضایی:** ویژگی‌های شاخصی که در رابطه با سازمان فضایی این خانه‌ها می‌توان مطرح کرد الگوی پلانی این خانه‌ها و روابط عملکردی آنهاست. با توجه به مشاهدات انجام شده، الگوهای غالب خانه‌های سنتی در این منطقه را می‌توان به سه الگوی "خطی"، "L" شکل و "U" شکل محدود کرد (ستون ساختار فرمی در جدول شماره ۲). در الگوهای مذکور، نحوه ارتباط بین فضای باز (حیاط) و فضای بسته، همچنین جهت‌گیری جبهه اصلی ساختمان که عمدتاً رو به جنوب و سمت قبله است، به جز مواردی که شکل و موقعیت زمین محدودیت ایجاد کند، اهمیت زیادی در شیوهی سازماندهی فضا دارد، همچنین سیستم خانواده از نظر تک همسری یا چند همسری بسیار متفاوت می‌باشد، به نحوی که در خانواده چند همسری، خانه به دو یا چند قسمت تقسیم شده و هر همسر به نوعی حریم خود را داشته است و سازمان فضایی این نوع خانه‌ها بیشتر به صورت الگوی "U" شکل است. در رابطه با الگوی "L" شکل نیز مطابق اظهارات ساکنان خانه‌ها، الگوی خانه‌ها در ابتدا الگوی خطی بوده است و با گسترده شدن خانواده و ازدواج اعضای جوان خانواده، به تدریج به فضای اصلی خانه، اتاق‌هایی اضافه شده و منجر به تغییر الگوی خطی به الگوی "L" شکل، شده است. در خصوص نوع ارتباط عرصه‌ی عمومی و خصوصی در خانه‌های این منطقه، می‌توان گفت که نحوه سازماندهی این عرصه‌ها به صورت سلسله‌مراتبی نبوده و بیشتر تابع نیازهای عملکردی فضا بوده‌است، به عبارت دیگر محرمیت در سازماندهی عرصه‌های خصوصی و عمومی این خانه‌ها، مسئله اصلی نبوده‌است و به دلیل

چند عملکردی بودن و انعطاف‌پذیری فضا در موارد زیادی، فضای مهمان، بنا به دلیل دسترسی آسان و بهره‌گیری از نور و یا وسعت فضا در نظر گرفته شده است و چه بسا در بعضی از خانه‌ها، این فضا در مجاورت و ارتباط مستقیم با آشپزخانه و یا اتاق‌های جانبی که بیشتر عملکرد اتاق استراحت و خواب داشته‌اند، قرار گرفته است (ستون الگوی سازماندهی در جدول شماره ۲).

ج. فرم کالبدی: از جمله ویژگی‌های بارز فرم خانه‌های سنتی این منطقه استفاده از اشکال و هندسه‌های ساده و منظم، تناسبات انسانی و مصالح بومی و طبیعی در ساخت آنها است. همچنین معماری بومی این منطقه، تلفیقی از معماری درونگرا و برونگرا است. بدین معنی که در عین اینکه حیاط عنصر اساسی و جبهه‌ی اصلی خانه محسوب می‌شود و بازشوهای خانه رو به سمت حیاط و حالتی درونگرا دارد اما به سمت بیرون هم بازشوهایی تعبیه شده است. سادگی فرم و عاری بودن از هرگونه تجمل و خودنمایی، از جمله ویژگی‌های کالبدی خانه‌های این منطقه است. در رابطه با ارتباط بین فرم کالبدی خانه‌ها و بستری که در آن بنا شده‌اند، سازندگان بیش از همه به مواردی از قبیل هماهنگی مصالح، رنگ و فرم‌های مورد استفاده با بافت زمینه و اقلیم منطقه توجه می‌کردند. بدین صورت که عمده مصالح مورد استفاده عبارت از سنگ، چوب، خشت و آجر، می‌باشند که جزء مصالح بوم‌آورد محسوب شده و با توجه به وجود جنگل‌ها و کوهستانی بودن منطقه به راحتی نیز قابل تهیه بودند.

تحلیل یافته‌ها

طی مشاهدات حضوری و مصاحبه‌های^{۱۱} انجام شده با ساکنین خانه‌ها، به وجوه و ابعادی اشاره شد که تأثیر مستقیمی روی الگوی فعالیت‌ها و شیوه زندگی مردم و در نتیجه شکل خانه‌های آنها داشته است. بنابراین با توجه به کلیات تحقیق و بررسی مبانی نظری، همچنین بررسی پاسخ‌ها، مشخص شد وجوه و ابعاد مورد اشاره می‌توانند به عنوان مصداق‌هایی برای برخی از جنبه‌های سبک زندگی، در ارتباط با سازماندهی فضا یعنی عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت باشند. این موارد به نوعی ترجمان وجوه مذکور در قالب مفاهیم ارزشی منتج از نوع جهان‌بینی مردم این منطقه و عناصر محتوایی فرهنگ در ارتباط با شکل خانه‌های سنتی منطقه موکریان است.

"جدول ۳: مهترین جنبه‌های سبک زندگی و سازماندهی فضا. مأخذ: نگارندگان"

عناصر ثابت	عناصر نیمه ثابت	عناصر غیر ثابت	مهمترین جنبه‌های سبک زندگی
استفاده از پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه (فضایی برای نشستن)	کاربرد لبه پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه (فضایی برای نشستن)	استفاده بهینه از نور آفتاب، به منظور ایجاد حداکثر روشنایی در فضای داخلی	میزان نور و روشنایی مطلوب
وجود حوض در حیاط برای وضو گرفتن، در صورت وجود سرویس بهداشتی در خانه، توجه به جهت قرارگیری آن (رو به قبله نباشند)	تمیز و مفروش بودن مکان اقامه نماز	خواندن نماز و انجام مناسک دینی در خانه توسط زنان و در مساجد توسط مردان	باورهای دینی و اعتقادی

	آشپزی و شیوهی غذا خوردن	- فاقد فضای آشپزخانه و آشپزی در حیاط، از طریق تهیه آتش (وجود فضای تنور) - فضای آشپزخانه در داخل خانه	- استفاده از تنور و آتش‌دان - فضای آشپزخانه با مبلمانی ساده (اجاق گاز، یخچال، سینک و تعداد کمی کابینت)	عدم وجود فضای اختصاصی برای غذا خوردن، پهن کردن سفره و دور هم نشستن، در بعضی از خانواده‌ها مردان قبل از زنان و فرزندان غذا می‌خورند.
	نحوه‌ی خاص معیشت	افزایش مترای فضاها، تعداد اتاق‌های بیشتر و افزایش مساحت در خانه‌های متمول‌تر	توجه بیشتر به تزئینات و مبلمان در فضای اتاق مهمان، (فرش دستباف، پشتی، ساعت، رادیو و تلویزیون، تزئینات دکوری بیشتر روی طاقچه‌ها)	سادگی و بی‌پیرایگی، اهمیت جایگاه مهمان در خانه، وجود پدیده‌ی چند همسری و تعداد بیشتر فرزندان در خانواده‌های متمول‌تر
	طریقه‌ی نشستن	پایین بودن ارتفاع سقف (تقریباً ۲۵۰ سانتیمتر)، پایین بودن دست‌انداز پنجره‌ها (تقریباً ۵۰ سانتیمتر).	نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوارها و یا متکا و پشتی، مفروش بودن کامل اتاق‌ها	امکان نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوار در فضای اصلی خانه، در کنار استفاده از مبلمان.
	ضرورت در آوردن کفش	وجود فضای کفش‌کن در بخش ورودی و فضای هال	متفاوت بودن جنس مصالح در قسمت کفش‌کن و یا ایجاد پله اختلاف سطح، به منظور تفکیک فضا	اهمیت نظافت و پاکیزگی و لزوم رعایت بهداشت
	طریقه‌ی خوابیدن	چند عملکردی بودن اتاق‌ها و عدم وجود فضای اختصاصی اتاق خواب برای تمام اعضای خانواده	عدم وجود تخت خواب، وجود گنجه و طاقچه‌های عمیق در دیوار، به عنوان محل نگهداری رخت خواب، پهن نمودن رخت خواب در اتاق‌ها به ازای هر نفر	اختصاص اتاق و یا اتاق‌هایی مجزا برای هر یک از همسران و فرزندان آنها. کنار هم خوابیدن فرزندان در کنار هم و یا در کنار مهمان.
ساختار خانواده	یکدست بودن سیرکولاسیون فضاهای داخلی در خانواده‌های تک همسر، بخش بندی و تفکیک داخل خانه در خانواده‌های دو یا چند همسری	تفکیک اتاق همسران از طریق اختلاف طبقات و یا در دو سوی جبهه‌ی اصلی بنا	تراکم زیاد فضای اتاق‌ها و در کل فضای خانه، هماهنگی و تطابق	



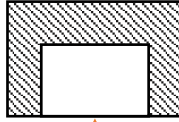
فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده			
استفاده از فضای حیاط (حوض آب) و فضای تنور برای مراودات و ملاقات زنان همسایه، عدم محدودیت زنان برای خروج از خانه	جایگاه شست و شوی لباس و ظروف و .. در اطراف چاه یا حوض آب در حیاط، رفتن به حمام و سرویس بهداشتی عمومی در خارج از خانه	اختصاص فضای آشپزخانه و تنور به زنان و عدم حضور مردان در این فضا، حضور مشترک زنان و مردان در سایر فضاها، عدم وجود حمام و سرویس بهداشتی در خانه	جایگاه و موقعیت زن در خانواده
اولویت دادن مهمان نسبت به اعضای خانواده، ایجاد فضای نیمه خصوصی برای خانواده	وجود حداکثر مبلمان و تزئینات در اتاق مهمان و تمیز و مرتب نگهداشتن همیشگی آن	اختصاص بزرگترین و در دسترس‌ترین اتاق خانه به فضای مهمان (اتاق مهمان)، حیاط به عنوان فضایی برای تعاملات و ارتباطات کوتاه مدت	روابط اجتماعی

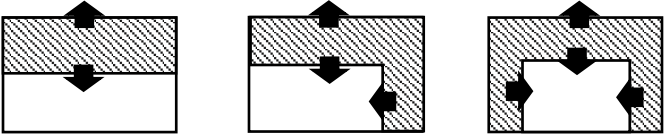

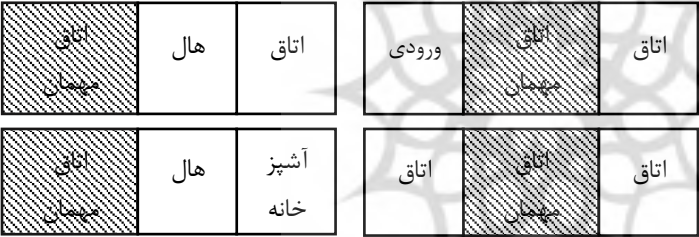

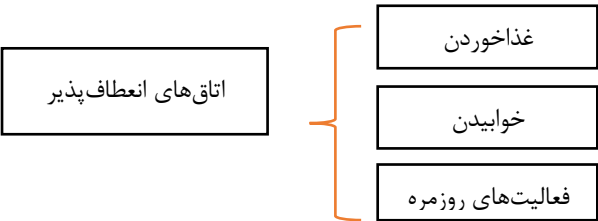
"جدول ۴. نتایج پژوهش (نگارندگان)"

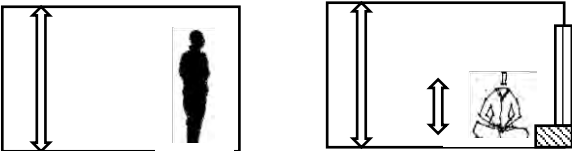
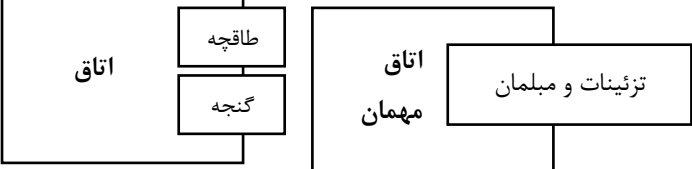
سطوح بیرونی فرهنگ	سطوح میانی فرهنگ	
الگوی معماری (شکل خانه)	فعالیت (الگوی رفتاری)	شیوه زندگی
اتاق‌های انعطاف‌پذیر و چند عملکردی: - هر اتاق به عنوان یک خانه مجزا - وجود نداشتن اتاق مجزا برای افراد با عملکرد خاص مثل اتاق خواب، نهارخوری و ...	- در اکثر موارد، اشتغال موروثی: زندگی فرزندان در خانه پدری بعد از ازدواج جهت تأمین نیروی انسانی برای کار و تولید - فعالیت‌های درون خانه به صورت جمعی مثل خوابیدن، خوردن و ...	ساختار خانواده: - خانواده گسترده، تأمین نیروی کار برای تولید - برتری حریم جمعی به حریم خلوت و فردی
- آشپزخانه و تنور، فضاهایی برای حریم زن و انجام کارهای گروهی با زنان همسایه و فامیل مانند پخت نان و ... - حیاط، فضایی برای ارتباطات و مراودات و انجام فعالیت‌های گروهی با دیگر زنان - وجود بازشوها هم به سمت درون خانه (حیاط) و هم خارج خانه (بیرون)	- فعالیت زنان در بعضی از حریم‌های شخصی (مانند آشپزخانه) - رفت و آمدهای، زنان به خارج از خانه - ملاقات با دوستان و زنان همسایه در حیاط و بیرون از خانه - اولویت دادن به فعالیت‌های همسر (مثلاً غذا خوردن مردان قبل از زنان)	نقش و جایگاه زنان در خانه (محرمیت): - کم‌رنگ بودن نقش محرمیت - مدیریت خانواده - احترام فراوان به همسر

<p>- عدم وجود فضایی اختصاصی در داخل خانه برای پذیرایی از مهمان زن</p>		
<p>- استفاده از فضای حیاط برای دیدار و برقراری روابط اجتماعی کوتاه مدت</p> <p>- اختصاص دادن بزرگترین و پر نورترین اتاق خانه به فضای مهمان که همیشه تمیز و آراسته است.</p> <p>- وجود بهترین تزئینات در اتاق مهمان</p> <p>- حیاط، فضایی برای برگزاری مراسم و جشن‌های عروسی</p>	<p>- روابط به صورت رفت و آمدی یا حضوری</p> <p>- تکریم مهمان و همیشه آماده پذیرایی از مهمان</p> <p>- اولویت مهمان در کارکردهای درون خانه بر سایر اعضای خانواده</p> <p>- مراسم و جشن‌های عروسی به صورت مختلط (زن و مرد در کنار هم) بوده است</p>	<p>روابط اجتماعی:</p> <p>- دید و بازدید با فواصل زمانی کم</p> <p>- ارتباط قوی همسایگی و محدود نشدن دید و بازدیدها به مهمانی‌های فامیلی</p> <p>- مهمان‌ها بیشتر مرد بوده و اکثراً زنان در خارج از خانه و یا در زمان عدم حضور مرد خانه، همدیگر را ملاقات می‌کردند.</p> <p>- برگزاری مراسم و جشن‌های عروسی در خانه</p>
<p>- حمام و سرویس بهداشتی در بیرون از خانه</p> <p>- کفش کن قبل از ورود به خانه (تفکیک با استفاده از مصالح خاص و یا ایجاد اختلاف سطح)</p>	<p>- جدایی فضای تراز خشک</p> <p>- جدایی فضای تمیز از کثیف</p>	<p>نیازهای اساسی:</p> <p>توجه به نظافت و پاکیزگی</p>

"جدول ۵: دیاگرام تحلیلی مسکن و سبک زندگی (نگارندگان)"

الگوی مسکن (عناصر ثابت و نیمه ثابت)	الگوی رفتاری (عناصر غیر ثابت)
<div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  <p>خانواده تک همسر</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>گسترش خانواده، ازدواج فرزندان</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>خانواده چند همسر</p> </div> </div>	<p>وجود سه گونه الگوی فضایی "خطی"، "L" شکل و "U" شکل، در ارتباط با جایگاه زن در خانه و ساختار خانواده از نظر تعداد همسر</p>

	<p>کمرنگ بودن نقش حریمیت، وجود بازشوها هم به سمت درون خانه (حیاط) و هم خارج خانه (بیرون)، اهمیت نور آفتاب، به منظور ایجاد حداکثر روشنایی در فضای داخلی</p>
 <p>فضای باز (حیاط) = یا > فضای بسته (اتاق‌ها)</p>	<p>اهمیت فراوان حیاط چه به لحاظ تناسبات فضایی و چه ارزش فضایی نسبت به فضاهای بسته خانه، مکانی ارزشمند برای تعامل افراد (خصوصاً زنان) و برقراری ارتباطات اجتماعی و برگزاری جشن‌ها</p>
	<p>تکریم مهمان، اختصاص دادن بزرگترین اتاق خانه به فضای مهمان، عدم رعایت حریمیت در سازماندهی عرصه‌های خصوصی و عمومی</p>
	<p>در مواردی عدم وجود فضای آشپزخانه و آشپزی در حیاط، استفاده از تنور و آتش‌دان جهت تهیه غذا، اختصاص فضای آشپزخانه و تنور به حریم زنان و عدم حضور مردان در این فضاها</p>
	<p>چند عملکردی بودن اتاق‌ها و عدم وجود فضای غذاخوری و فضای اختصاصی اتاق خواب برای تمام اعضای خانواده (پهن کردن سفره و رخت‌خواب در اتاق)</p>

	<p>پایین بودن ارتفاع سقف، نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوارها و یا متکا و پشتی، مفروش بودن کامل اتاقها، ضرورت درآوردن کفش، کاربرد لبه پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه</p>
	<p>اولویت داشتن مهمان در کارکردهای درون خانه نسبت به سایر اعضای خانواده، تزیینات فراوان اتاق مهمان (فرش دستباف، رادیو و تلویزیون و ...) و سادگی و بی پیرایگی سایر اتاقها</p>

نتیجه گیری

همان طور که در بررسی پیشینه پژوهش عنوان شد، کم توجهی به بنیانهای فرهنگی در زمینه مطالعات و طراحی مسکن از یک طرف و اغماض از مطالعات و پژوهشهای کیفی در زمینه فرهنگ کردها و همچنین کمبود مطالعات در زمینه معماری مناطق کردنشین، مشکلات نظری و روشی فراوانی را در بررسی علمی نحوه سازماندهی فضا در معماری مسکونی این مناطق به وجود آورده است. با توجه به مطالعه انجام گرفته، پژوهش حاضر نشان می دهد، خانه و شکل آن صرفاً یک ساخته فیزیکی نیست، بلکه محدوده‌ای فرهنگی است و عواملی همچون مذهب، سنت، آداب و رسوم، جنسیت و ... در قالب مولدهای فرهنگ، زیرساخت‌هایی برای متغیرهای اجتماعی مانند بنیان خانواده، رابطه خویشاوندی و نقش و پایگاه اجتماعی بوده که همه این موارد به نوعی بر شکل و ساختار مسکن و نحوه سازماندهی فضایی آن تأثیرگذار می باشند. بنابراین شناخت مسکن از طریق شناخت لایه‌های مختلف تأثیرات فرهنگی امکان پذیر است و معماری (خانه) همانند لباس و سایر وسایل انسانی، رسانه‌ای است، برای تطابق با محیط، بدون تغییر ساختار بدن انسان و آنچه این تطابق را ممکن می سازد، فرهنگ یا به عبارتی نظام ذهنی اوست. کشف نحوه تأثیرپذیری شکل خانه از فرهنگ، در گرو شناخت وجوه مختلف و عناصر محتوایی فرهنگ و ارتباط آنها باهم می باشد.

در پاسخ به سئوالات اصلی مطرح شده در این پژوهش، با تجزیه فرهنگ به سطوح ملموس تر، مشخص شد که عناصر فرهنگ مطابق نمودار (۲)، از درونی ترین سطوح (عناصر محتوایی فرهنگ) که شامل جهان بینی، ارزشها و باورهاست تا بیرونی ترین سطوح (مظاهر فرهنگ) که همان شکل خانه است، به صورت سلسله مراتبی باهم ارتباط داشته و در نهایت به معماری خانه، شکل و جهت می دهند. سلسله مراتب تأثیرگذاری باورها و ارزشها که خود منتج از جهان بینی می باشند، از طریق جهت دهی به سطوح میانی فرهنگ یعنی، شیوه زندگی، خواسته‌ها، نیازها و فعالیتها (الگوهای رفتاری)، که جنبه‌های تأثیرگذار فرهنگ در ارتباط با سازمان فضایی خانه می باشند و بیشترین اطلاعات، در رابطه با فرهنگ ساکنین از آن استخراج می گردد، فرهنگ جامعه مد نظر را شکل داده و از آن طریق بر

شکل خانه اثر می‌گذارند. نحوه‌ی این ارتباط در جداول ۴ و ۵، بر اساس مهمترین جنبه‌های سبک‌زندگی در ارتباط با الگوی معماری خانه (عناصر ثابت و نیمه ثابت) و الگوی رفتاری و نحوه‌ی انجام فعالیت (عناصر غیر ثابت) به تفصیل ارائه شده است.

پی نوشت‌ها

۱. Alexander
۲. Rapoport
۳. Oliver
۴. Hillier & Hanson
۵. Schulz
۶. Eco
۷. Mercer
۸. Krober
۹. Gluckman
۱۰. Max Sorre

۱۱. اطلاعات و داده‌های مصاحبه‌ای، حاصل مشاهدات حضوری محقق و پرسش از ساکنان خانه‌ها می‌باشند. پرسش و پاسخ به شکل شفاهی و مصاحبه باز، به انجام رسید. محور اصلی پرسش‌ها نیز در رابطه با تعداد اعضای خانواده، تعداد همسر، اعتقادات (به طور غیرمستقیم)، شیوه‌ی معیشت، نوع فضاها و کاربرد هر یک از آنها، نحوه‌ی سازماندهی و جایگیری فضاها و علت آنها، نوع مصالح، رنگ و فرم و مبلمان استفاده شده و علت آنها بوده است.

فهرست منابع

- ۱- ایلکا، شاهین، ۱۳۹۴، خانه مطلوب ایرانی؛ پژوهشی بر مفهوم معماری خانه بر اساس پنداشت کاربران گذشته و حال (با رویکرد زمینه‌گرایی اجتماعی) مورد پژوهشی: شهروندان کلان شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۲- بنیانیان، حسن، ۱۳۸۶، فرهنگ توسعه در ایران، خط مشی گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳- تقوایی، مسعود و آکوچکیان، مهدی، ۱۳۹۳، تحلیلی بر سیستم شهری استان آذربایجان غربی، طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۵، شماره ۱۰، ص ۶۶-۴۵.
- ۴- حمه خورشید، فؤاد، ۱۳۶۴، زبان کردی و تقسیمات جغرافیایی لهجه‌های آن. چاپ عراق.
- ۵- راپاپورت، آموس، ۱۳۹۰، فرهنگ، معماری و طراحی، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیا پاشا، ساری، شلفین.
- ۶- راپاپورت، آموس، ۱۳۹۲، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، مشهد، کتابکده کسری.
- ۷- راپاپورت، آموس، ۱۳۹۲، معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیر کلامی، ترجمه فرح حبیب، چاپ سوم، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ۸- شصتی، شیما و فلامکی، محمد منصور، ۱۳۹۳، رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی با تکیه بر نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» و نظریه «راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۳، ص ۱۳۷-۱۱۷.
- ۹- شصتی، شیما؛ فلامکی، محمد منصور و جواهری پور، مهرداد، ۱۳۹۶، معماری مسکونی امروز شهر تهران و پروبلماتیک فرهنگ از منظری جامعه‌شناختی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۱۰۶-۸۵.
- ۱۰- ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده اشرف، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی- اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز، نقش جهان، دوره ۶، شماره ۲، ص ۷۲-۶۰.
- ۱۱- فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۸۷، مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن، تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ص ۶۳-۲۵.

- ۱۲- گروتز، یورگ، ۱۳۸۶، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و علیرضا همایون، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳- لنگ، جان، ۱۳۸۱، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- عزیزی، شادی؛ دل‌پذیر، علیرضا و مقدم، سارا، ۱۳۹۱، انسان‌شناسی فرهنگی، وسیله‌ای برای بررسی عوامل شکل‌دهنده معماری، هویت شهر، دوره ۶، شماره ۱۲، ص ۷۰-۶۱.
- ۱۵- علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه، ۱۳۹۲، عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده. مسکن و محیط روستا. دوره ۳۲، شماره ۱۴۱، ص ۱۹-۳۶.
- ۱۶- علی‌الحسابی، مهران و گنجی‌زاده، نازنین، ۱۳۹۴، تجلی سبک زندگی اسلامی در معماری مسکونی ایرانی با تأکید بر نقش سلسله مراتب فضایی و عرصه‌بندی در معماری خانه ایرانی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، مشهد، مؤسسه بین‌المللی معماری و شهرسازی مهرازشهر.
- ۱۷- نجار نجفی، ناز، ۱۳۹۴، ساختن و ساخته شدن؛ بازنگری در مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری، رساله دکتری، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۸- نیکیتین، واسیلی، ۱۳۶۶، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ۱۹- یزدانفر، عباس، حسینی، باقر و زودی، مصطفی، ۱۳۹۲، فرهنگ و شکل خانه، مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر. مسکن و محیط روستا، دوره ۳۲، شماره ۱۴۴، ص ۱۷-۳۲.
- 20- Ahianba, J. E. 2009. Cultural Issues in Architecture- Case Study of Esan in Edo State- Nigeria. *Journal of Social Sciences*, 18(1): 29-43.
- 21- Alexander, C. 1964. *Notes on a Synthesis of form*. Cambridge: MA, Harvard University press.
- 22- Allwood, J. 1990. *On the Role of Cultural Content and Cultural Context*. In Language Instruction. Gothenburg Papers in Theoretical Linguistics, 5(17), Germany: University of Göteborg.
- 23- Chirot, D. 1994. *How Societies Change*. London: Pin Forge Press.
- 24- Clarissa, A & Lorenzo, M. 2016. Filipino culture of filling up space in a gated community. *Social and Behavioral Sciences*, 216 :545 – 551.
- 25- Eriksen, T. H. 2001. *Small Places, Large Issues: An Introduction to Social Anthropology*. London: Pluto Press.
- 26- Hillier, B. & Hanson, J. 1984. *The social logic of space*. Cambridge, UK: Cambridge university press.
- 27- Hofstede, G., Hofstede, G. J. & Minkov, M. 2010. *Cultures and Organizations: Software for the Mind*. USA: McGraw-Hill.
- 28- Holton, R. 2011. *Globalization and the NationState*, Palgrave Macmillan. USA: New York.
- 29- Kottak, C. 2002. *Anthropology: The Exploration of Human Diversity*. Nineth Edition. London: McGraw-Hill Press.
- 30- Lefebvre, H. 1991. *The production of space* . Oxford, England: Wiley- Blackwell.
- 31- Macionis, J. K. 2009. *Sociology: The Basics ,10/e, Prentice Hall Europe*. USA: New Jersey.
- 32- Mercer, D. 1971. The role of perception in the recreation experience: A Review and Discussion. *Journal of Leisure Research*, 3(4): 261-276.
- 33- Miller, B. D. 2004. *Cultural Anthropology, Second Edition*. New York: Allyn & Bacon.
- 34- Oliver, P . 1975. *shelter sign and symbol*. London: Barrie & Redcliff.
- 35- Rapoport, A. 1969. *House Form and Culture (Foundations of Cultural Geography Series)*. Englewood Cliffs: Prentice Hal.
- 36- Rapoport, A. 1977. *Human, aspects of urban form: Towards a man- environment approach to urban form a design*. Oxford:Pergamon Press.
- 37- Rapoport, A. 1980. *Cross-Cultural Aspects of Environmental Design*. In I. Altman, A. Rapoport, & J. F. Wohlwill (Eds.), *Environment and Culture* (pp. 7-46). New York: Springer.
- 38- Rapoport, A. 1982. *Housing and identity: cross-culture perspectives*. New York: Holmes and Meier.
- 39- Rapoport, A. 1998. *Using Culture in Housing Design. University of Wisconsin*. USA: Milwaukee.

- 40- Rapoport, A. 2000. Theory, Culture and Housing. *Housing, Theory and Society*. 17(4) : 145-165.
- 41- Rapoport, A. 2005. *Culture architecture and design*. Locke science publishing company, Inc.
- 42- Royse, G. 1969. *Social inferences via environmental cues (Ph.D, dissertation)*. Massachusetts Institute of Technology.
- 43- Ruonavaara, H. 2018. Theory Of Housing, From Housing, About Housing. *Housing, Theory and Society* 35(2): 178-192.
- 44- Shcein, E. H. 2010. *Organizational Culture & Leadership*. John Wiley & Sons, USA: San Francisco.
- 45- Soaita, A. M. & Dewilde, C. 2019. A Critical-Realist View Of Housing Quality within The Post Communist EU States: Progressing Towards A Middle-Range Explanation. *Housing, Theory and Society*, 36(1): 44-75.
- 46- Werner, C.M, Altman, I. & Oxley, D. 1986. *Temporal aspects of homes: A transactional perspective In Home Environments*. New York and London: Plenum press.

